ادامه از صفحه اول

۴۰ سالگی نخستین انتخابات آزاد

آمریکا در بعد روانی تحریم‌های خود به‌طور مستمر می‌کوشد نشان دهد و چنین القا کند که ایرانیان نمی‌توانند سخنگوی خود باشند و نمی‌توانند هستی ملی خود را در قالب «یک دولت=یک ملت» نمایندگی کنند، بنابراین نمی‌توانند دولتی از آنِ خود داشته باشند و باید ازسوی «دولتی دیگر» نمایندگی شوند. آیا کسانی که در داخل کشور با کج‌اندیشی دستاوردهای برجام و عملکرد دیپلماسی نظام را تخریب کردند، به‌نوعی دیگر و البته به‌طور ناآگاهانه و ناشیانه، در همان خط پیش‌گفته آمریکایی گام نمی‌زنند؟ آیا نباید درباره سرمنشأهای اصلی و صهیونیستی تهاجم به دیپلماسی و اصل دولت‌مداری مردم‌سالارانه و دموکراتیک مشکوک شد و دست‌های پنهانی را چه در اردوگاه «تیرانا» و چه در برخی تریبون‌های رسمی و محافل غیر رسمی داخلی دید که علیه اصل دولت- ملت جهت‌گیری می‌کنند؟ برای مقاومت در مقابل آن تهاجم صهیونیستی و تروریستی که در جنبه روانی خود ترور و تحریف تاریخ انقلاب را مدنظر خود قرار داده، بازگشت به تاریخ انقلاب و به ۱۲ مرداد ۵۸، یعنی بازگشت به لحظه تأسیس ملت-دولت در دل نهاد انتخابات آزاد می‌تواند رهگشا باشد. تاریخ نشان داد که برخی از بازندگان نخستین انتخابات آزاد جمهوری اسلامی آداب باخت را نمی‌دانستند. نخستین نفراتی که با اختلاف نزدیک به دو میلیونی از نفر اول انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی (مرحوم آیت‌الله طالقانی) از راه‌یابی به مجلس بازماندند، مرحوم علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی و مسعود رجوی بودند که هرکدام چیزی نزدیک به ۳۰۰ هزار رأی آوردند. عبدالکریم لاهیجی و رقیه دانشگری (نماینده سازمان فداییان خلق) هم در مراتب بعدی قرار داشتند، در تهران آن روز. ترکیب کاندیداها نشان می‌دهد که صدای همه طیف‌ها و همه جریان‌های سیاسی و ملی و مذهبی و کمونیستی و قومیتی در انتخابات آزاد آن روز شنیده شد. صداوسیمای جمهوری اسلامی در آن ایام صداوسیما و زبان همه ملت با همه گوناگونی‌های فرهنگی آن بود. امروز نیز رسانه ملی با تکیه بر آرشیوهای غنی خود می‌تواند به زبان تصویر، حلقه‌های مفقوده تاریخ انقلاب را به نسل‌های جدید نشان دهد و اجازه ندهد سارقان آرشیوهای ملی در آن‌سوی مرزها و در دل تاریک‌خانه‌های تحریم و جنگ‌افروزی برای نسل‌های جدید، «گذشته‌سازی» کنند. در آستانه انتخابات ۱۲مرداد همه نامزدهای احزاب و سازمان‌های مذهبی و غیرمذهبی و کمونیستی و مجاهد خلقی شانس آن را یافتند که در صداوسیمای ملت به معرفی اهداف

جمهوری اسلامی
اولین انتخابات آزاد برگزار شد

حزب و سازمان خود و محورهای پیشنهادی برای قانون اساسی مطلوب خود بپردازند. برای توصیف تابلویی چنین رنگی و متکثر، چه تیتری می‌توانست گویاتر از آنچه فردای انتخابات تبدیل به زیور صفحه نخست روزنامه جمهوری اسلامی شد، انتخاب شود؟

متأسفانه جریان‌های ناامید از انتخابات از همان فردای انتخابات راه دیگری را در پیش گرفتند که از معبر رام‌کردن و فرعی‌کردن انتخابات می‌گذشت. آنها می‌گفتند اصل را باید بر اصالت انقلاب استوار کرد اما در مقام عمل فرعی‌سازی انتخابات و انتخاب و گزینش دموکراتیک ملت در دستور کار به ظاهر «انقلابی» آنان قرار گرفت. اگر خود را در نقطه انتخابات ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ قرار دهیم و از سیر بعدی رویدادها تقدیرزدایی کنیم می‌توان به این نتیجه رسید که چه‌بسا آشوب‌سازی‌ها در گوشه و کنار کشور و قیام مسلحانه در برابر حاکمیت برخاسته از انتخابات‌های متعدد، می‌توانست هرگز رخ ندهد اگر که آن گروه‌ها و آن جریان‌ها به القا و جعل تضاد و تقابل میان «انقلاب» با انتخابات نمی‌پرداختند و فرعی‌سازی انتخابات در برابر انقلاب مورد نظر خود را به مشی مسلط برخورد با حاکمیت برخاسته از انتخابات تبدیل نمی‌کردند. امروز باید از آن تاریخ عبرت‌آموزی کرد و شگردها و شیوه‌های فرعی‌سازی انتخابات را رمزگشایی کرد: فرعی‌سازی انتخابات در سویه فکری خود ریشه در یک وارونه‌سازی و جابه‌جایی در اصل نظارت داشت؛ چه کسی باید بر چه کسی نظارت کند؟

گروه‌های مدعی «پیشتازی» و«پیشگامی» در انقلاب (واژگانی که در همان ایام تبدیل به اسم مستعار سازمان‌های کمونیستی یا مجاهد خلقی شد) به چیزی کمتر از نظارت تامه بر ملت قانع نبودند. می‌گفتند ملت و خلق هرگز ملت نخواهند شد مگر اینکه در سازمان و جریان «پیشاهنگ ملت» ذوب شوند. امام خمینی(ره) درست در نقطه مقابل این تفکر انحرافی، حاکمیت و نظارت را از آن ملت می‌دانست و با هر آن چیزی که انتخابات و نظارت تامه ملت بر سرنوشت خود را مخدوش کند، مخالفتی قاطع داشت. امام می‌گفت اگر در صدر مشروطه علما و روشنفکران متعهد از انتخابات کنار نمی‌رفتند «و قبضه کرده بودند مجلس را» پیروزی استبداد امکان‌پذیر نبود. این همان بصیرتی است که ۱۲ مرداد را به ۱۴ مرداد و به نهضت مشروطیت متصل می‌کند. در نقطه اتصال آن دو جنبش عظیم ملی است که تلاش یک‌صدساله و بیشتر، برای حاکمیت قانون و برای ابتنای ملت- دولت بر قانون اساسی و انتخابات، پُربودگی معنایی خود را آشکار می‌کند.

«شرق» به ریشه‌های شکل‌گیری یک پدیده نوظهور و وضعیت معیشت مردم می‌پردازد

تکدی‌گری در «دیوار»

شرق: «بچه کوچک دارم شیر خشک می‌خوره همسرم بی‌کاره قادر به تهیه نیستم»، «مایحتاج آشپزخانه رب، روغن، چای، قند، ماکارونی، حبوبات، سیب‌زمینی و پیاز»، «کمک مالی نیاز دارم هرچقدر در توانتون بود مشکل من با ۲۰۰ تومن درست میشه تورو خدا بهم کمک کنید»، «پدرم فوت شد، خرج خودم و خواهر و مادرم رو به زور درمیارم هرچقدر می‌تونین کمک کنین حتی ۱۰۰۰ تومان» و... . اینها تنها بخشی از آگهی‌هایی است که روی یک سایت خدماتی منعکس شده است. شتاب فقر آن‌قدر بالاست که فضای واقعی جامعه را درنوردیده و راهی شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های خدماتی شده است. اگر به بخشی از آگهی‌هایی که روی سایت دیوار (نیازمندی‌های رایگان، آگهی‌های خرید، فروش نو و دست‌دوم و کارکرده) منعکس شده، نگاه کنید، سرفصلی با عنوان «خیریه و کمک‌رسانی» در بخش اجتماعی به آن افزوده شده که در آن افراد یا برای طلب کمک و تکدی‌گری آنلاین مراجعه می‌کنند یا خود برای کمک‌رسانی وارد عمل می‌شوند. مشخص نیست که کدام بخش از این آگهی‌ها مستقیما به نیازهای واقعی افراد درخواست‌کننده برمی‌گردد و چه بخش‌هایی تکدی‌گری آنلاین را نمایندگی می‌کند، اما آنچه کاملا واضح است نفوذ فقر به سایت‌های خدماتی است. در بخشی از این آگهی‌ها حتی به خرید مایحتاج آشپزخانه مثل سیب‌زمینی، پیاز، رب، برنج و... اشاره شده و گاهی حتی کسی که خواهان جهیزیه است هم به آن بخش مراجعه می‌کند. برخی افرادی که از اجاره‌خانه هم درمانده‌اند یا افرادی که بدهی دارند هم در این بخش از مردم تقاضای کمک کرده‌اند. حتی گاهی افراد برای هزار تومان هم دست یاری دراز می‌کنند و برای حفظ آبرو (واقعی یا ریا) سعی در کتمان هویت خود دارند. برخی مراکز خیریه هم در این بخش فعال شده و به کمک‌رسانی مشغول هستند، اما واقعا چه شد که کار به اینجا کشید؟

سقوط پول ملی، عامل عمومی فقر

حسین راغفر، اقتصاددان که در حوزه اقتصاد اجتماعی هم فعال است، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: مسئولیت شتاب‌بخشیدن به فقر و فلاکت مردم، دولت و مجلس هستند و از آن طرف طبیعی است که اکنون کالاهای ایرانی که در داخل تولید می‌شود برای کشورهای همسایه فقیر اطراف‌مان هم به قدری ارزان شده که صادر می‌شوند و به دلیل محدودشدنشان در داخل هم طبیعی است که قیمت‌شان بالاتر هم می‌رود و بسیاری از کالاهای دیگر با قیمت ارز ارزش‌گذاری می‌شوند ولو اینکه نیاز ارزی‌شان حداقل ممکن باشد یا نیاز ارزی نداشته باشند، اما افزایش قیمت چندین برابر داشته‌اند به این دلیل که شبکه‌های مافیایی، مورد حمایت فعال هستند.

او با بیان اینکه این گروه‌ها، طبقات محروم و فرودست جامعه را به یک مصیبت بی‌سابقه گرفتار کرده‌اند، توضیح می‌دهد: امروز جمعیت بزرگی از نیروی کار ساختمانی و کارگران ساده به مناطقی مثل کردستان عراق و قطر مهاجرت می‌کنند. معنای واضحش این است که نیروی کار ایرانی به دلیل سقوط ارزش پول ملی، آن‌قدر ارزان شده که ارزان‌تر از نیروی کار کشورهایی است که جمعیت زیادی هم دارند و تا به حال آنها مورد اقبال کشورهای دیگر بوده‌اند؛ مثل هند، پاکستان و افغانستان. امروز کارگر ایرانی آن‌قدر ارزان شده که جاذبه‌اش از این دسته از کارگران ساختمانی بیشتر شده که پیامدهای جدی‌ای برای آینده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور دارد.

او با تأکید بر نقش قوه قضائیه برای جلوگیری از پیامدهای اقتصادی- اجتماعی رشد فقر و فلاکت در جامعه و ممانعت از غارتگری و فساد از اموال عمومی می‌گوید: در حال حاضر لجام‌گسیختگی در نظام تصمیم‌گیری و قاعده‌گذاری کشور به وجود آمده که دستگاه قضائی می‌تواند و باید در خیلی از مواقع برای جلوگیری از پیامدهای اقتصادی- اجتماعی رشد فقر و فلاکت در جامعه اقدام کند و مانع از غارتگری‌ها و فسادی شود که در نظام توزیع منابع عمومی وجود دارد. قبل از اینکه وارد برخورد با اینها شود، باید اقدامات پیشگیرانه داشته باشد.

گسترش نمود فقر در فضای مجازی به دلیل شرم از حضور در عرصه عمومی

این اقتصاددان با نگاهی به افزایش تکدی‌گری در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های خدماتی می‌افزاید: امروز در شبکه‌های مجازی، تکدی‌گری آن‌قدر گسترش پیدا کرده که از فضای روزمره زندگی مردم فراتر رفته و به شبکه‌های اجتماعی رسیده است. بخشی از آن، می‌تواند تصنعی، فرصت‌طلبی و زمینه‌های سوءاستفاده باشد، اما قطعا بخش دیگری هم کسانی هستند که از حضور در عرصه عمومی و تکدی‌گری شرم دارند و به هر دلیل این فضا را انتخاب کرده‌اند. گواینکه در فضای عمومی هم جمعیت قابل توجهی از رفتارها و صحبت‌کردنشان و حتی در برخی مواقع پوشاکشان مشخص است که اینها از سر استیصال کامل است که به سر سطل‌های زباله شهری روی می‌آورند تا بازیافت برخی کالاها مثل پلاستیک را جمع کرده و بفروشند و نیازهایشان را تا حدی تأمین کنند. اینها برای یک جامعه ثروتمند مثل کشور ما بسیار شرم‌آور است و این شرم اصلی متوجه مسئولان و سیاست‌گذاران است که منابع بزرگی را در شرایط کنونی به مافیاهای مختلفی که در کشور حضور دارند، مثل مافیای دارو و کالاهای وارداتی و خودرو، پتروشیمی و فولاد تخصیص می‌دهند و از عدم بازگشت دلارهای صادراتی سخن می‌گویند.

> **امروز جمعیت بزرگی از نیروی کار ساختمانی و کارگران ساده به مناطقی مثل کردستان عراق و قطر مهاجرت می‌کنند. معنای واضحش این است که نیروی کار ایرانی به دلیل سقوط ارزش پول ملی، آن‌قدر ارزان شده که ارزان‌تر از نیروی کار کشورهایی است که جمعیت زیادی هم دارند و تا به حال سقوط ارزش پول ملی، آن‌قدر ارزان شده که ارزان‌تر از نیروی کار کشورهایی است که جمعیت زیادی هم دارند و تا به حال آنها مورد اقبال کشورهای دیگر بوده‌اند**

اقدام فوری برای جلوگیری از لطمه بیشتر به انضباط اجتماعی

او با بیان اینکه به هر صورت مسئول اصلی همه اینها نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی و از جمله مجلس، دولت و قوه قضائیه است، ادامه می‌دهد: به نظرم این لجام‌گسیختگی در چارچوب‌های قاعده‌گذاری و اجرائی کشور قطعا بدون پاسخ نمی‌ماند، مگر اینکه برای اینکه پیامدهایشان، انضباط اجتماعی را بیش از آنچه امروز شاهد هستیم، لطمه‌دار نکند، اقدامات اساسی صورت بگیرد. قطعا بخش قابل توجهی از جامعه ما امروز دچار فقر است و این فقر فقط به محدوده نیازهای اساسی آنها آسیب نزده، بلکه به یکی از حساس‌ترین ظرفیت‌های انسان‌ها آسیب زده و آن نارحتی‌ای است که در میان جمعیت آسیب‌خورده شاهد هستیم و امروزه بخش قابل توجهی از طبقه متوسط هم مشمول آنها می‌شود و این نسبت به کل نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور و برندگان این سیاست‌هاست که نه از روی توانمندی‌ها، خلاقیت، ابتکار و سخت‌کوشی، بلکه به خاطر مناسباتی که شکل گرفته، صاحب ثروت‌های بی‌کرانی شده‌اند و رژه اشرافیت در شهرهای بزرگ آسیب جدی به فرهنگ جوانان زده و با تخریب آن، به سست‌شدن کانون خانواده منجر شده که شاهد ارتکاب اشکال بی‌سابقه و هولناک جرم و جنایت در سطح جامعه هستیم. اگر اقدام اساسی و فوری در این مورد صورت نگیرد، سیل مسکنتی که امروز بخش بزرگی از جامعه را درنوردیده و آنها را همسو با خود کرده و می‌کند، در آینده غیرقابل کنترل و مهار خواهد بود. از این رو به نظرم عقلای نظام تصمیم‌گیری در کشور باید قبل از رشد قارچ‌گونه فساد که موجب گسترش فقر و مسکنت شده، آن را کنترل کنند و لازمه اولیه‌اش این است که تغییرات اساسی در ساخت سیاسی کشور صورت بگیرد. بدون این تغییرات هیچ امکان اصلاحی وجود ندارد و این تغییرات باید منجر به بهبود وضعیت طبقات فرودست جامعه شود. بدون توقف تخریب ویرانگری که از این طبقه در حال انجام است، امکان اصلاح در جامعه منتفی است و جامعه به سمت سراشیبی پیش می‌رود.

۵۰ درصد جامعه؛ زیر خط فقر

از او درباره خط فقر می‌پرسم و پاسخی که می‌شنوم باز هم یادآور آمارهایی است که کتمان می‌شود: اولا که داده‌های قابل اتکا نداریم و اطلاعات موجود منطبق با آخرین داده‌هایی است که در سال ۹۶ منتشر شده، درحالی‌که از اواخر دی ماه ۹۶، شاهد شتاب افزایش قیمت‌ها بوده‌ایم و اگر واقعا بخواهیم اینها را با نرخ تورمی که رسمی اعلام می‌شود، تعدیل کنیم، امروز بیش از نیمی از جمعیت کشور دچار فقر هستند و البته این نرخ از شهری به شهر دیگر و در مناطق مختلف متفاوت است. بنابراین خط فقر را برای کل کشور نمی‌توانیم اعلام کنیم و منطقی نیست و حتی به علت فاصله زیاد مناطق شهری از منظر آمارها، اعلام میانگین آن نیز منطقی به نظر نمی‌رسد.

راغفر با بیان اینکه آنچه مسلم است این است که امروز بیش از ۵۵ درصد جمعیت کشور دچار فقر مطلق هستند، تصریح می‌کند: به این معنا که این افراد، توانایی دسترسی به حداقل‌های یک زندگی انسانی را ندارند. از جمله هزینه کالاها و نیازهای اساسی مثل غذا، دارو، مسکن و آموزش است که به‌شدت افزایش پیدا کرده. با اینکه افزایش قیمت‌ها در این کالاها به‌شدت متفاوت است، اما بخش قابل توجهی از جمعیت قادر به دسترسی به این نیازهای اساسی نیستند که پیامدهای سنگینی برای نظام اجتماعی دربر خواهد داشت. از این رو نیازمند تغییرات اساسی در ساختار تصمیم‌گیری‌های کشور هستیم.

برگزاری هم‌زمان انتخابات دولت و مجلس

او با نگاهی فراتر از عرصه عمومی اقتصادی ایران می‌افزاید: امروز که در آستانه انتخابات مجلس هستیم به نظرم دولت به دلیل ناتوانی‌اش در پاسخگویی به نیازهای اساسی و سهمش در شکل‌گیری بحران کنونی که سهم برجسته‌ای است، باید این امکان را فراهم کند که انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری با هم انجام شود و فضایی هم فراهم شود که اعمال فیلترهایی که فقط افراد خاصی از بین آنها وارد مجلس شدند، تکرار نشود. در غیر این صورت فرقی نمی‌کند این مجلس و دولت به حیات خودشان ادامه دهند، زیرا هیچ بهبودی در وضعیت کشور حاصل نخواهد شد.

نقش دولت در ناکامی عمومی

جعفر خیرخواهان، دیگر اقتصاددان و مشاور مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در گفت‌وگو با «شرق» از کاهش رفاه در جامعه می‌گوید. خیرخواهان با نگاهی به اقتصاد متکی بر نفت که آن را رانت می‌نامد، می‌گوید: وابستگی به نفت، مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است.

وقتی اوضاع فروش نفت خوب است و درآمدهای دولت‌ها بالاست، سیاست‌مداران برای خرید محبوبیت، وعده زندگی بهتر به مردم می‌دهند و مشکل آن است که جامه به آن سبک درآمدی عادت می‌کند و نیازهایی که قبلا برای او وجود نداشته، با این وعده‌ها ایجاد می‌شود. با افزایش قیمت نفت و وفور خدمات‌دهی دولت‌ها، مردم متوجه می‌شوند که به راحتی می‌توانند به نیازهای خود دسترسی داشته باشند و به ترتیب، سطح عمومی توقعات جامعه بالا می‌رود، اما در مقابل توان تولیدی کشور به دلیل عدم توجه دولت‌ها به این بخش، افزایش نمی‌یابد و مهارت‌ها و دانش‌ها که می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند، ایجاد نمی‌شود و بنابراین پایداری این فضا، حاصل نمی‌شود و تنها با گسترش دلالی در جامعه و به‌انزوارفتن تولید روبه‌رو می‌شویم.

او با بیان اینکه شوک‌های نفتی هرازچندگاهی در اقتصاد ایران ایجاد می‌شود، اما این جشن ادامه‌دار نیست، می‌افزاید: درحالی‌که دولت‌ها به نوآوری و تولید وقعی نمی‌نهند، در مقابل هم جامعه سردرگم است و نمی‌داند مشکل کار کجاست.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به کاهش رفاه در جامعه در پی کاهش درآمدهای نفتی، می‌افزاید: با توجه به نقش کم‌رنگ جامعه در تولید، نمی‌توان انتظار داشت که درآمدهای افراد در جامعه مطابق با جامعه پیشرفته باشد، بنابراین خط فقر در ایران را هم نباید همانند جامعه پیشرفته که افراد در تولید نقش مؤثری دارند، در نظر گرفت. وقتی نقش یک کارگر در تولید، حدود سه میلیون تومان است، نمی‌توان از کارفرما انتظار داشت به اندازه شش میلیون تومان به او پرداختی داشته باشد که با معیار درآمد برای پوشش نیازهای حداقلی در سطح جهان، هم‌خوانی داشته باشد.

مسئولان زمانی که قیمت نفت بالاست و فروش نفت خوبی داریم، بدون آنکه نقشی در این ماجرا داشته باشند، با گردن‌فرازی، از موفقیت خود در رشد اقتصادی جامعه می‌گویند، اما زمانی که دوران شکست و افت قیمت نفت است، از ناکامی‌های اقتصادی می‌گویند.

او با بیان اینکه اکنون دولتمردان قدرت پاسخ‌گویی به جامعه را ندارند، می‌گوید: مهم‌ترین چیزی که جامعه خواهان آن است، ثبات درآمدی است، اما وابستگی به اقتصاد نفتی، سبب می‌شود نوسانات قیمت نفت درآمد جامعه را متأثر و از حالت تعادل خارج کند. جالب آنکه دولتمردان درآمدهای حاصل از فروش نفت را پس‌انداز نمی‌کنند و با ولخرجی، جامعه را به مصرف بالا عادت می‌دهند. در کنار آن، با کاهش این درآمدها دولت از ارائه خدمات عمومی مثل بهداشت و درمان هم عاجز می‌شود و متأثر از آن، جامعه را دچار آسیب‌های جدی فقر و بی‌کاری می‌کند.

تولیدکننده بزرگ‌ترین فرش جهان خبر داد

چین از بازار فرش کنار کشید

شرق: تولیدکننده بزرگ‌ترین فرش جهان از مشکلات تولیدکنندگان این حرفه گفت و اشتغال‌زایی این صنعت صادراتی کشور را در سال رونق تولید دارای اهمیت بالایی دانست.

احد عظیم‌زاده در مراسم افتتاحیه نمایشگاه بین‌المللی فرش تبریز که بزرگ‌ترین فرش جهان با حضور رئیس‌جمهور در آن رونمایی شد، تأکید کرد: چین از بازار فرش کنار کشیده است و هیچ کشوری نتوانست کالایی مشابه فرش دستباف ایرانی تولید کند بنابراین امروز در بازار جهانی فرش دستباف، ایران یکه‌تازی می‌کند.

او اظهار کرد: هرچند کشورهایی مانند چین فرش‌های ماشینی زیادی را روانه بازار می‌کنند اما برای مشتریان فرش دستباف، کالای مناسبی جهت عرضه ندارند.

این تولیدکننده باسابقه فرش به پیشنهادی که از کشور چین داشت، اشاره و خاطرنشان کرد: از کشور چین پیشنهاد کار داشتم اما از آنجا که می‌دانم قصد چین انتقال تکنولوژی تولید فرش دستباف به این کشور است؛ با وجود دستمزد بالا این پیشنهاد را نپذیرفتم.

عظیم‌زاده با اشاره به اینکه امروز تولیدکنندگان فرش مشکلات متعددی دارند، گفت: تولیدکنندگان فرش دیگر قادر به واردکردن ابریشم مورد نیازشان نیستند و واردات این محصول به دست دلالان افتاده است. او ادامه داد: همچنین چهار سال است که واردات فرش‌های تعمیری متوقف شده است و نمی‌توانیم این فرش‌ها را وارد کنیم. تولیدکننده بزرگ‌ترین فرش جهان درخصوص مشخصات فرش رونمایی‌شده در این نمایشگاه نیز گفت: این فرش، بزرگ‌ترین فرش یکپارچه ۶۰۰متری جهان است که برای تولید آن ۲۳۰ نفر استادکار ۱۴ سال برای بافتن آن زحمت کشیده‌اند.

او افزود: از این فرش ۶۰۰متری دو قطعه بافته شده که هر یک ۶۰ رج و ۷۰ رنگ و سه تن وزن دارند. همچنین دو قطعه فرش ۴۰۰متری نیز بافته شده که جمع متراژ این چهار فرش به دو هزار متر می‌رسد.

عظیم‌زاده قیمتی که برای بزرگ‌ترین فرش جهان در نظر دارد را اعلام نکرد و گفت: اگر امروز بخواهیم مواد اولیه این فرش و هزینه‌های آن را محاسبه کنیم شاید بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه در بر داشته باشد. عظیم‌زاده همچنین گفت: هر یک از این فرش‌ها به مبلغ ۱۵ میلیون تومان بیمه شده‌اند.

او بیان کرد: در آمریکا یک قطعه فرش شش‌متری به قیمت ۲۳ میلیون دلار معادل ۴۳۰ میلیارد تومان به فروش رفته است. بنابراین فرشی که هنرمندان ایرانی با این ابعاد بافته‌اند، می‌تواند قیمتی خاص داشته باشد.

عظیم‌زاده درخصوص مشتریان این فرش نیز عنوان کرد: زمانی که بافت این فرش را آغاز می‌کردیم، به مشتری آن هم فکر کردیم و امروز نیز برای این فرش مشتری وجود دارد.

او همچنین تأکید کرد: امروز که بافت این چهار قطعه فرش تمام شده است، در نظر دارم کار بافت فرش بزرگ‌تری را آغاز کنم.

لازم به ذکر است در نمایشگاه بین‌المللی فرش تبریز دو تخته فرش ۶۰۰ و ۴۰۰ متری بافته‌شده برای اولین بار در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است. نمایشگاه فرش دستباف تبریز تا ۱۳ مرداد پذیرای علاقه‌مندان است.

خبر

منطقه یک آزادراه تهران-شمال در چند ماه آینده افتتاح می‌شود

● وزیر راه و شهرسازی گفت: منطقه یک آزادراه تهران - شمال که از اتوبان همت به شهرستانک وصل می‌شود به طور قطع در چند ماه آینده افتتاح می‌شود. به گزارش وزارت راه و شهرسازی، محمد اسلامی افزود: در حال حاضر بیش از دوهزارو ۱۰۰ نفر در این پروژه مشغول به کار هستند و همه جبهه‌های آن فعال است. بیشتر تجهیزات نصب‌شده و کارهای باقی‌مانده تأسیساتی در حال انجام است و اکثر تدارکات آن پیش‌بینی شده است. وی ابراز امیدواری کرد: تا پایان شهریور عملیات باقی‌مانده به پایان رسیده و برای عملیات پشتیبان آن تصمیم‌گیری می‌شود.

وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: پروژه آزادراه تهران-شمال مورد مطالبه مردم است. جاده‌ای است که به هر حال طول کشیده، اما کار بسیار بزرگی است و عملیات مهندسی خوبی روی آن انجام شده است. اسلامی اعلام کرد: یک‌سری عملیات‌های پشتیبان جاده مانند سیستم اورژانس، راهدارخانه و اتاق کنترل تونل‌ها همه در دست اقدام است. وجود اتاق کنترل برای تونل‌ها به این دلیل است که تونل‌های این آزادراه طویل هستند و جزء نخستین تونل‌های بزرگ کشور قلمداد می‌شوند. برخی از این تونل‌ها حدود پنج کیلومتر طول دارند که سیستم‌های آنها باید تست شود و همچنین تست تأسیساتی آن انجام شود.

در نامه‌ای به سران ۳ قوه مطرح شد

تخریب صندوق ملی را متوقف کنید

● تعدادی از دانش‌آموختگان دکترای اقتصاد در نامه‌ای به سران قوای کشور خواستار شدند که پول و منابع صندوق توسعه ملی در قبال انجام اصلاحات ساختاری به دستگاه‌ها داده شود. به گزارش مهر در این نامه آمده است:

رؤسای محترم قوای مجریه، مقننه و قضائیه کشور: نیک مستحضرید که امروز کشور در شرایط جنگ اقتصادی تمام‌عیار دشمن قرار دارد و فرض گذرا و موقتی‌بودن این دشمنی و عداوت با آنچه شواهد و قرائن مختلف حقوقی، سیاسی و اقتصادی نشان می‌دهد، فرضی نادرست است؛ بنابراین مدیریت اقتصادی کشور در این شرایط نیازمند اتخاذ تصمیمات درست، آینده‌نگر، دقیق و کارشناسی است و هرگونه فرصت‌سوزی و تعلل در این امر، تبعات سنگینی برای کشور خواهد داشت.

متأسفانه نگاهی به تصمیمات اتخاذشده در شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه در مدت عملکرد شورای مزبور نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌های مهم و اولویت‌دار کشور کماکان روی زمین مانده است. دراین‌میان تصمیم اخیر شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه درباره پوشش کسری بودجه دولت از محل برداشت از منابع صندوق توسعه ملی، حساب ذخیره ارزی، فروش اوراق مالی و فروش اموال دولتی، آن‌هم بعد از گذشت حدود هفت ماه از دستور مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم انجام اصلاحات ساختاری در بودجه کشور، جامعه کارشناسی و به‌ویژه صاحب‌نظران و کارشناسان اقتصادی را بهت‌زده کرد. آیا به‌واقع این موارد به‌عنوان ابتدایی‌ترین روش‌های تأمین کسری بودجه، با فلسفه تشکیل این شورا در راستای تجهیز تمام قوای کشور و هماهنگی برای اتخاذ تصمیمات اساسی، سازگار است؟! همچنین چند نکته درباره این مصوبه و در انتها پیشنهاد اصلاحی به استحضار می‌رسد:

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین اصول در اصلاح بودجه در شرایط فعلی کشور قطع وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و جایگزینی آن با منابع پایدار است. سؤال اینجاست که کدام‌یک از منابع استفاده‌شده در مصوبه اخیر یک درآمد پایدار برای قطع وابستگی به نفت به شمار می‌رود؟ آیا شورای محترم واقعا حراج ذخایر استراتژیک کشور و ایجاد بدهی را راهکار صحیح حل مشکل بودجه‌ای در شرایط خطیر کنونی می‌دانند؟ صندوق توسعه ملی ایران ازجمله صندوق‌های موسوم به ثروت ملی است که بنا بر قانون، با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش از منابع فسیلی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده تشکیل شده است. با وجود هدف مصرح ذکرشده، متأسفانه به جای قاعده‌مندکردن رابطه بین صندوق توسعه و بودجه، دستگاه تصمیم‌گیری کشور در شرایط کسری بودجه صرفا آسان‌ترین راه را انتخاب کرده و با دست‌اندازی به منابع صندوق، فرایند و کارکرد آن را با اختلال مواجه کرده‌اند. برداشت از صندوق حتی اگر برای مصارف جاری باشد، باید منوط به اصلاح در امور و رویه‌ها باشد که در غیراین‌صورت صرفا به معنای ادامه روند کسری بودجه و بی‌انضباطی مالی خواهد بود.

برداشت چنین عددی از صندوق توسعه ملی، آن هم صرفا برای مصارف جاری، حتی با فرض عدم محدودیت دارایی‌های نقد در اختیار صندوق، تلویحا این تصور را ایجاد می‌کند که در ذهن مسئولان محترم تنش رخ‌داده در درآمدهای ارزی، زودگذر است.

ادامه در صفحه ۵